

سلام!

مهم نیست چه درسی را تدریس می‌کنید. ادبیات فارسی، زبان انگلیسی، علوم تجربی، ریاضیات، علوم اجتماعی یا هر درس دیگر. بدون شک دانش و اطلاعات کافی در ارتباط با موضوع تدریس خود دارید. اما تلقی شما نسبت به «فرایند یادگیری» چیست؟ «آرمان تربیتی» برنامه‌ی درسی خود را چه می‌دانید؟ پاسخ دقیق به این دو پرسش، نقش شما و یادگیرندگان را در فرایند آموزشی معین می‌کند؛ فرایند آموزشی، محیط یادگیری و چگونگی ارزش‌یابی از برنامه‌ی درسی را نیز روشن می‌سازد. پس بهتر است تعریف روشنی از یادگیری داشته باشید و فرایند یادگیری و نقش خود را در دیدگاه‌های برنامه‌ی درسی ارزیابی کنید.

# نمره‌ای برای دیدگاه من به نظریه‌های برنامه‌ی درسی

● آغاز

هست که تلفیقی از دوسو را دربرمی‌گیرند. برای مثال به پرسش زیر پاسخ دهید!

● شما کدام یک از این تعریف‌ها را برای یادگیری مناسب‌تر می‌دانید؟

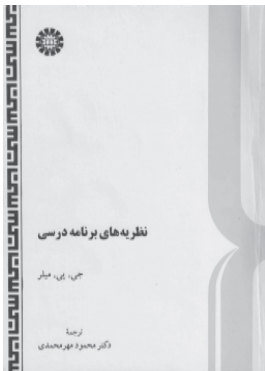
۱. یادگیری ایجاد تغییرات کم و بیش دایمی در رفتار بالقوه‌ی یادگیرنده مشروط بر این که در اثر تجربه رخ داده باشد.<sup>۲</sup>
  ۲. یادگیری عبارت است از تغییری که در توانایی انسان ایجاد می‌شود و برای مدتی باقی می‌ماند و نمی‌توان آن را به سادگی به فرایندهای رشد نسبت داد.<sup>۳</sup>
  ۳. یادگیری حاصل تشکیل یک ساخت‌شناختی در حافظه‌ی یادگیرنده است که نگه‌دارنده و سازمان‌دهنده‌ی اطلاعات گوناگونی است که در موقعیت یادگیری روی می‌دهد.
- آیا به تفاوت‌های این تعریف‌ها توجه می‌کنید؟ براساس هر یک از این تعریف‌ها می‌توان حدس زد که آرمان تربیتی چیست؟ نقش معلم و دانش‌آموز در یادگیری کدام است.

● روش کار

در جدولی که در پایان مقاله آمده است ده عبارت را مشاهده می‌کنید. هر عبارت را به دقت بخوانید. هر عبارت توضیح مختصری در مورد یک دیدگاه یا تلقی از یادگیری است و به دنبال آن براساس این تلقی توضیح می‌دهد که معلم چه نقشی می‌تواند داشته باشد.

هر یک از رویکردها و دیدگاه‌های گوناگون برنامه‌ی درسی، تلقی متفاوتی نسبت به فرایند یادگیری دارند. معلمان، پدران و مادران و مربیان نیز براساس دیدگاه‌ها و جهان‌بینی خود با کودکان و فراگیرندگان خود برخورد می‌کنند. دیدگاه‌های ما، که از جهان‌بینی ما ناشی می‌شوند، آمیزه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و ادراک ما هستند که در سامان بخشیدن به آنچه در پیرامونمان اتفاق می‌افتد ما را یاری می‌کنند. این جهان‌بینی «نقشه»‌ای از واقعیت است که از سوابق، تجربه‌ها و فرهنگ ساخته شده، زمینه‌ساز چگونگی دید ما از اشیا است.

بر همین اساس «دیدگاه‌های برنامه‌ی درسی» را می‌توان موضع‌گیری اساسی درباره‌ی یاددهی و یادگیری در ابعاد گوناگون نظری و عملی به شمار آورد. برخی از این ابعاد عبارت‌اند از: آرمان‌ها، تلقی نسبت به یادگیرنده، تلقی نسبت به فرایند یادگیری، تلقی نسبت به فرایند آموزشی، تلقی نسبت به محیط یادگیری، نقش معلم و تلقی به ارزش‌یابی آموخته‌ها.<sup>۱</sup> آرمان‌های تربیتی متفاوتی در دیدگاه‌های برنامه‌ی درسی وجود دارد و به تبعیت از آن‌ها تلقی نسبت به فرایند یادگیری نیز متفاوت است برخی دیدگاه‌ها توجه خود را فقط به ابعاد بیرونی و رفتار فراگیرندگان معطوف می‌دارند و حال آن که در سوی دیگر دیدگاه‌هایی وجود دارند که به ابعاد درونی (افکار و احساسات، ساخت‌های ذهنی و ظرفیت‌های درونی) توجه دارند. در میانه‌ی این دوسو نیز دیدگاه‌هایی



بعد از مطالعه‌ی هر عبارت، در ستون مقابل آن، میزان موافقت خود را با آن بنویسید اگر هیچ موافقتی ندارید نمره‌ی صفر (۰) را در نظر بگیرید و اگر کاملاً با آن موافق هستید به آن بیست (۲۰) بدهید. در سایر موارد، براساس مقدار موافقت خود می‌توانید نمره‌ای بین صفر تا بیست را برای هر عبارت در نظر بگیرید.

**تذکر مهم:** می‌توانید به چند عبارت نمره‌ای مشابه بدهید. به طور مثال اشکالی ندارد که با چند عبارت، کاملاً موافق باشید و به آن‌ها نمره‌ی ۲۰ بدهید و اگر دیدگاه متعادلی دارید نمره‌ی ۱۰ را در نظر بگیرید.

در این جا شما به دیدگاه‌های مختلف ارائه شده، نمره می‌دهید، اما با نمره‌ای که می‌دهید یک ارزیابی از دیدگاه خودتان خواهید داشت. به بیان دیگر معلوم می‌شود که دیدگاه شما به یادگیری و نقشی که برای خود (معلم) قابل هستید کدام است.

قبل از مطالعه‌ی ادامه‌ی مقاله براساس روش کار فوق به جدول آخر مقاله مراجعه کنید!

#### ● چند توضیح کوتاه

۱. نظریه‌های برنامه‌ی درسی: هر یک از عبارت‌های ده‌گانه که در جدول انتهایی مقاله به آن‌ها امتیاز داده‌اید «تلقی نسبت به فرایند یادگیری» و «نقش معلم» را در یکی از دیدگاه‌های یادگیری نشان می‌دهد. این دیدگاه‌ها به ترتیب عبارت‌های ذکر شده در جدول عبارت‌اند از:

۱. دیدگاه کنشگر؛ ۲. دیدگاه قابلیت مدار؛ ۳. دیدگاه موضوعی؛ ۴. دیدگاه دیسپلینی؛ ۵. دیدگاه انتقال فرهنگی؛ ۶. دیدگاه تغییر اجتماعی؛ ۷. دیدگاه رشدگرا؛ ۸. دیدگاه فرایند شناختی؛ ۹. دیدگاه انسان‌گرایانه؛ ۱۰. دیدگاه ماورای فردی.

هدف این مقاله مطالعه‌ی جامع و بررسی پیشینه‌ی هر یک از این دیدگاه‌ها نیست؛ اما می‌تواند برای اطلاع بیشتر تر درباره‌ی هر یک از این دیدگاه‌ها به کتاب «نظریه‌های برنامه‌ی درسی» مراجعه کنید. این کتاب را «جان میلر» استاد دانشگاه تورنتو در کانادا تألیف کرده، «محمود مهر محمدی» آن را به فارسی برگردانده است. چاپ اول این کتاب را در تابستان ۱۳۷۹، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) برعهده داشته است.

۲. عبارت‌های ردیف ۱ و ۲ جدول به دیدگاه‌هایی اشاره دارند که در مجموعه‌ی نظریه‌های رفتارگرایی مطرح شده‌اند و یادگیری را در ایجاد رفتارهای خاص تعریف کرده‌اند. به طور مثال در دیدگاه قابلیت مدار؛ تکلیف یا موضوع یادگیری به اجزای کوچک متوالی تقسیم می‌شود که پس از آموزش هر تکلیف، تکلیف بعدی به دنبال آن آموزش داده می‌شود.

۳. عبارت‌های ردیف ۳ و ۴ به دیدگاه‌هایی اشاره می‌کند که در بسیاری از مدارس و دانشگاه‌ها جریان دارد. دیدگاه موضوعی اهمیت را به درس و مهارت‌های پایه (سواد و حساب کردن و...) می‌دهد در دیدگاه دیسپلینی، پرورش مهارت‌های پژوهشی در ارتباط با موضوع‌های معین مطرح می‌شود و اعتقاد بر این است که یادگیری در یک رشته‌ی علمی از طریق پژوهش به دست می‌آید. علاوه بر این، تفاوت این دو دیدگاه را باید در این امر جست‌وجو کرد که دیدگاه دیسپلینی معیارهای مشخصی را برای تشخیص حوزه‌های علمی مطرح می‌کند؛ در حالی که دیدگاه موضوعی از معیارهایی که موجب تمیز حوزه‌های علمی از سایر زمینه‌ها می‌شود، تعریف روشنی ارائه نمی‌کند.

۴. عبارت‌های ردیف ۵ و ۶ دو دیدگاه از یادگیری اجتماعی را مطرح می‌سازند و تعلیم و تربیت را به جامعه ارتباط می‌دهند و یادگیری را براساس الگوهای اجتماعی تعریف می‌کنند.

۵. کاربردی برای هر دیدگاه: واقعیت این است که با توجه به هدف‌های روشنی که برای یادگیری انتخاب می‌شود، می‌توان دیدگاه مناسب را برگزید.

برای مثال اگر هدف این است که دانش‌آموزان برای مواجهه با موقعیت‌های اجتماعی و بهبود شرایط جامعه آماده شوند لازم است به نظریه‌های اجتماعی توجه شود. مدل‌ها و روش‌های تدریس مختلف نیز می‌توانند براساس دیدگاه برنامه‌ی درسی و تلقی از فرایند یادگیری امتحان شوند؛ مثلاً در دیدگاه موضوعی روش سخن‌رانی روش مفیدی به حساب می‌آید؛ اما این روش برای پرورش صفات و فرایندهای انسانی و دیدگاه انسان‌گرایانه نمی‌تواند مفید باشد.

علی‌رغم این نکته‌ی مهم هر چند می‌توان به ضرورت‌هایی ویژه در موقعیت‌هایی خاص؛ حتی یادگیری را می‌توان به تغییر در رفتار خلاصه کرد؛ اما لازم است توجه داشته باشیم که انتظار از یادگیری در یک آموزش و پرورش متعالی به مراتب بیش از این است. در این نگاه، یادگیری فرایند هستی‌گرایانه‌ای تعریف می‌شود که شخصی، مداوم، بی‌وقفه و سرشار از تجربه کردن است چنین جریانی در تعاملی مداوم با «کاش» - کنجکاوی در محیط غنی آموزشی به شکل هدفدار، - «وحدت» - یادگیرنده، موضوع‌ها و تجربه‌های گوناگون را در ذهن خود یک‌پارچه و مربوط به هم می‌سازد - «و تعالی» - حرکت پویا و بالنده‌ی یادگیرنده در جریان یادگیری - است.

این تعریف به جریان رشد توجه دارد - عبارت ۷ - و در عین حال تنها به رشد فیزیکی و جسمی و حتی اخلاقی بسنده نمی‌کند؛ می‌توان آن را تعریفی برآمده از عبارت‌های ۸ و ۹ و ۱۰ دانست.

#### زیرنویس

۱. منبع ۱ ص ۷-۵.
۲. هیلگارد
۳. گانیه

4. Exploring
5. Integrating
6. transcending

#### منابع

۱. میلر، جی. پی. نظریه‌ی برنامه‌ی درسی. ترجمه‌ی محمود مهر محمدی، چاپ اول، تهران: سمت، تابستان ۱۳۷۹.
۲. سیلور، جی گالن و همکاران. برنامه‌ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر، چاپ ششم، تهران: شرکت به نشر و سمت، ۱۳۸۰.

جدول تعیین امتیاز برای تلقی های گوناگون از فرایند یادگیری

امتیاز ۰ تا ۲۰	تلقی از فرایند یادگیری و نقش معلم	ردیف
	یادگیری یعنی کسب رفتارهای تازه معلم باید با تمهید و تغییر برنامه های تقویت کننده (پاداش یا تنبیه) به رفتار شکل دهد.	۱
	یادگیری، واکنش نشان دادن در برابر محرک هاست به گونه ای که معرف به دست آوردن نتایج مطلوب که در واقع مقاصد خاص آموزشی هستند و از آن ها به عنوان قابلیت نام برده می شوند، باشد. معلم به تعریف قابلیت ها و طراحی آموزشی برای دست یابی دانش آموزان و سنجش براساس معیارهای مشخص اقدام می کند.	۲
	یادگیری، تسلط پیدا کردن بر مهارت ها و به خاطر سپاری دانش مربوط به یک موضوع درسی است. معلم مرجع اصلی یادگیری است و دانش عمیق و فراگیر راجع به موضوع دارد و فعالیت های یادگیری را هدایت می کند.	۳
	یادگیری حاصل پژوهش و اکتشاف در یک قلمروی خاص علمی است. یادگیرنده یک متخصص در مقیاس کوچک به شمار می آید. معلم منابع آموزشی را تأمین می کند و با تخصص خود فرایند اکتشاف را هدایت و پشتیبانی می کند و خود می تواند الگوی یادگیری باشد.	۴
	یادگیری فرایندی است که طی آن دانش آموزان خود را با انتظارات مدرسه و جامعه تطبیق می دهند تا بتوانند در جامعه کارکرد لازم را داشته باشند. معلم مرجع اصلی و مسؤول انتقال دانش و ارزش ها و انتظارات و نقش های گوناگون دانش آموزان است و خود الگوی شخصیت مطلوب برای نقش پذیری دانش آموزان است.	۵
	فراگیرندگان از طریق ارتباط مستقیم با مسائل اجتماعی و تجزیه و تحلیل آن مسائل یاد می گیرند؛ تلاش برای بهبود جامعه، بخشی از یادگیری است. معلم یاری رسان و فراهم سازنده ی منابع برای روشن ساختن جهت گیری دانش آموزان است و پل ارتباطی میان جامعه و مدرسه است.	۶
	یادگیری در جریان رشد به وقوع می پیوندد و شامل فرایند تعامل یادگیرنده و محیط است. یادگیرنده در محیط با مواجه شدن با تعارض های شناختی و اخلاقی به تجدید ساختار الگوی تفکر خود می پردازد، و این یادگیری است. معلم به نظم و سامان دهی محیط کلی یادگیری اقدام می کند و به عنوان راهنما رفتار می کند و به طور فعال، امکانات لازم را برای ایجاد محیط مناسب یادگیری فراهم می سازد.	۷
	یادگیری حاصل تفکر و اندیشه است. بنابراین توجه به سبک های مختلف تفکر (برای مثال قیاسی، تفکر جانی، تفکر نقاد و...) لازم می آید تا ساخت شناختی مناسبی که رفتار فرد از آن نشأت می گیرد پدید آید. معلم با افراد یا گروه های کوچک دانش آموزان کار می کند و تلاش می کند تفکر فراگیرندگان را تسهیل کند و مهارت های فکر کردن را پرورش دهد.	۸
	یادگیری به طور مستقل و فردی صورت می گیرد و پرورش خودپنداره ی مثبت و مهارت های بین فردی را ایجاد می کند و می تواند به خودشکوفایی بینجامد. معلم با گوش کردن فعال و سایر مهارت هایی که واجد آن است الگوی مناسبی در بهره برداری از مهارت های ارتباطی را در اختیار دانش آموز می گذارد و با گشادگی در برابر ایده های جدید، گسترش می دهد.	۹
	یادگیری به هشیاری (آگاهی) و به خصوص خودآگاهی مربوط است. با آگاه شدن از ظرفیت های درونی و رابطه با دنیای پیرامون، هر شخص می تواند سایر یادگیری ها را تحت تأثیر قرار دهد. معلم با تقویت ظرفیت های درونی خود، با گشودگی و پذیرش بیش تری با دانش آموز مواجه می شود و از فنونی مانند تجسم و تمرکز یابی استفاده می کند و تلاش دارد تا محیط کلاس را سرشار از محبت و همدلی کند.	۱۰